

حضور و گسترش تشیع در افریقا (از قرن اول تا پایان سوم هجری)

* عباس رهبری

** حسین خسروی

*** علی الهامی

[تاریخ دریافت: ۱۳/۸/۹۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۱/۹/۹۷]

چکیده

دامنه حضور و گسترش تشیع در شمال افریقا مربوط به صدر اسلام و بازه زمانی قرن اول تا پایان قرن سوم هجری است. بدون تردید سیاست‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس علیه شیعیان، عامل حضور تشیع در این بخش از قلمرو اسلامی بوده است. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع تاریخی به دنبال پاسخ به چگونگی حضور و گسترش مذهب تشیع در افریقا در آن بازه زمانی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از زمان فتح مصر، تشیع با تبلیغ شماری از صحابه رسول‌الله (ص) و یاران امام علی (ع) به افریقا راه یافت؛ اما قدرت و نفوذ سیاسی گروه‌های غیر شیعی چالشی بزرگ در گسترش تشیع بود. با وجود این، با حضور کارگزاران امام علی (ع) و هجرت سادات فرصت‌هایی برای فعالیت شیعیان در این سرزمین ایجاد شد که شیعیان از آن بهره بردند و به تأسیس حکومت‌های شیعی در برخی از مناطق افریقا اقدام کردند.

کلیدواژه‌ها: مذهب تشیع، مصر، امام علی (ع)، شمال افریقا، سادات.

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین azsazs45@gmail.com
 ** استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین (نویسنده مسئول)

Hkhosravi88@gmail.com

*** استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران aelhami867@yahoo.com

مقدمه

در طول تاریخ، شمال آفریقا یکی از مناطق مهم جهان اسلام بوده است. این منطقه به علت نزدیکی به بیت المقدس و مقر سپاهیان روم، اهمیت بسیاری برای مسلمانان داشت. رومی‌ها همواره می‌توانستند از شمال آفریقا، فتوحات مسلمانان را در بیت المقدس به خطر بیندازند. علاوه بر این، مراودات تجاری اعراب با مصر قبل از اسلام و شناخت از ثروت واقعی این مناطق، بر اهمیت و موقعیت تجاری - سیاسی شمال آفریقا در نزد مسلمانان می‌افزود. در نتیجه مصر از نخستین مناطق آفریقا بود که در سال ۲۰ق در زمان خلیفه دوم به دست عمرو بن عاص فتح شد (ابن عبدالحکیم، ۱۹۲۰: ۸۸، کندی، ۱۴۰۷: ۱۵). این فتوحات تا سال ۸۶ق (دوران عبدالملک مروان) ادامه یافتند.

فتوحات مسلمانان در آفریقا را می‌توان پنج قسمت کرد: ۱. صحرای سینا، اسکندریه و مناطق اطراف رود نیل؛ ۲. منطقه برقه و طرابلس؛ ۳. اقلیم آفریقا که حدوداً برابر تونس فعلی بود؛ ۴. مغرب اوسط که حدود الجزایر امروزی بود؛ ۵. مغرب اقصا برابر مغرب امروزی. از همان آغاز فتوحات، شماری از شیعیان و صحابه پیامبر (ص) همانند ابویوب انصاری، ابوذر غفاری، عمار یاسر، عبدالله بن عباس، عمرو بن حمق در سپاه مسلمانان حضور داشتند (سیوطی، ۱۳۷۱: ۱۴۵/۱-۲۰۰؛ مقریزی، ۱۴۱۶: ۸۴/۲-۸۵). برخی از این افراد بعدها در گروه یاران و نمایندگان خاص امام علی (ع) در شمال آفریقا باقی ماندند.

حضور و فعالیت این گروه در آفریقا، که تربیت یافته مکتب اهل بیت (ع) بودند، تأثیر بسیاری در شناخت و ترویج مکتب تشیع در این منطقه داشت. همچنین بعدها گروهی دیگر از دوستان امام علی (ع) در مصر، مانند محمد بن ابی حذیفه و محمد بن ابی بکر، نقش مهمی در معرفی امام علی (ع) و باورهای شیعی به مردم آفریقا ایفا کردند. نتیجه این فعالیت‌ها در اندک زمانی بروز یافت و باعث شد که مصریان در زمان قیام مردم علیه عثمان، از خلافت امام علی (ع) حمایت کنند (بردی، ۱۳۹۲: ۹۴/۱-۹۵؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۶۲/۶؛ وردانی، ۱۳۸۲: ۲۳). پس از شهادت امام علی (ع)، حضور یاران ایشان در مصر و آفریقا همچنان برای تشیع ثمربخش بود، به طوری که مردم این منطقه پس از شهادت امام حسین (ع) نیز علیه حکومت وقت دست به قیام زدند.

پس از تشکیل خلافت‌های اموی و عباسی، اهل بیت (ع) و یاران آنان تحت ظلم و ستم قرار گرفتند؛ از این رو شیعیان و بسیاری از سادات به علت دور بودن منطقه افریقا از مراکز حکومت، به این منطقه پناهنده شدند. فعالیت آنان از همان سده نخست باعث شد تا اهل بیت (ع) و دوستانشان در شمال افریقا جایگاه ویژه‌ای پیدا کنند. فرهنگ تشیع در این منطقه به حدی نفوذ یافت که نمونه‌های آن همچنان در برخی از مناطق افریقا، به‌خصوص مصر، دیده می‌شود. برگزاری مراسم عاشورا در مناطق محدودی از مصر، برگزاری جشن نیمه شعبان از سوی برخی از فرقه‌های صوفی، رسم فانوس‌گیری، جشن تولد حضرت زینب (س) و امام حسین (ع) از مواردی است که تأثیر ماندگار فرهنگ شیعه در این مناطق را نشان می‌دهد (وردانی، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «تشیع چگونه در شمال افریقا گسترش یافت؟». زمان ورود و مکان شیعیان در مصر و چگونگی سیاست حکمرانان شمال افریقا در برخورد با شیعیان تا پایان قرن سوم از پرسش‌های فرعی تحقیق است. بنا بر فرضیه پژوهش، شیعیان در ابتدای فتح مصر در این منطقه مستقر شدند، سپس به مناطق مختلف افریقا نقل مکان کردند. در اثر سیاست‌ها و سخت‌گیری حکمرانان اموی و عباسی، گروهی از سادات نیز به افریقا مهاجرت کردند و در نقاط مختلف آن ساکن شدند.

در این نوشتار، روش تحقیق بر اساس پژوهش تاریخی و به صورت توصیفی - تحلیلی است که موضوعات مربوط از منابع دست اول و معتبر به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده، سپس داده‌های به دست آمده، از طریق استدلال و استنتاج عقلی تجزیه و تحلیل شده است.

پیشینه تحقیق

درباره حضور شیعیان در افریقا کتاب‌ها و مقالات متعددی نگارش یافته است؛ اما تحقیق تاریخی جامعی شکل نگرفته است. در بیشتر تحقیقات صورت گرفته حضور و گسترش شیعیان در افریقا به صورت کلی تبیین شده است. از جمله این آثار می‌توان به کتاب ابن عبدالحکیم (م ۲۴۷ق) به نام فتوح مصر و اخبارها اشاره کرد. در این کتاب به جز اشارات مستقیم و غیر مستقیم به شیعیان، مطالب مهمی

دیده نمی شود، حتی از استاندار شدن محمد بن ابی بکر نیز خبری نیامده است (ابن عبدالحکیم، ۱۹۲۰: ۲۷۳).

در تواریخ عمومی، مانند تاریخ یعقوبی (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۲۲۹/۶) و کتاب الفتح ابن اعثم کوفی (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۳۶۵/۲-۳۸۲)، در تبیین شورش‌های سال‌های ۳۴ و ۳۵ ق مطالبی در مورد شیعیان مصر بیان شده است.

کتاب دیگر الولاة نوشته ابو عمر محمد بن یوسف کندی (م ۳۵۰ یا ۳۵۸ ق) است. در این منبع مطالب پراکنده‌ای درباره شیعیان و دوستان امام علی گفته شده است؛ اما نویسندگان در بیشتر موارد حتی از به کار بردن «شیعه» برای طرفداران امام علی (ع) خودداری کرده است (کندی، ۱۴۰۷: ۲۹-۳۰).

منتقله الطالیه نوشته ابراهیم بن ناصر بن طباطبا (۴۷۹ ق) منبع دیگری است که مطالبی درباره اماکن و شهرهایی که قبایل طالیه (اولاد و فرزندان ابوطالب) در آنها سکنا گزیده و زندگی کرده‌اند، آورده است.

تاریخ دیوان مبتدا و الخبر فی تاریخ العرب نوشته ابن خلدون (۷۲۳-۸۰۸ ق) می‌تواند مهم‌ترین منبع درباره تاریخ بلاد مغرب باشد. اطلاعاتی که در این کتاب آمده، جنبه ابتکاری دارد و نویسندگان آنها را گرد آورده و از کتب دیگر نقل نکرده است. تقی‌الدین احمد بن علی بن عبدالقادر مقریزی (م ۸۴۵ ق) از معدود مورخان مصر است که در کتاب المواعظ و الاعتبار به ذکر الخطط و الآثار لفظ شیعه را برای طرفداران امام علی (ع) به کار برده و مطالبی را درباره وضعیت شیعیان بیان کرده است؛ ولی در نوشته‌های او وضعیت شیعیان به روشنی مشخص نشده است (مقریزی، ۱۴۱۸: ۷۴/۱-۷۵).

از دیگر تاریخ‌نویسان معروف مصر، ابن تغری بردی (م ۸۷۴ ق) صاحب کتاب النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهره است. وی حوادث تاریخی مصر را از هنگام فتح آن و فرمانروایی عمروعاص تا سال‌های ۸۷۲ ق بیان کرده است؛ اما او نیز مانند دیگر مورخان، در مورد تشیع در مصر سخنی نگفته است (بردی، ۱۳۹۲: ۸/۱-۱۶۰).

از تحقیقات جدید نیز می‌توان به کتاب مهدی تکیه‌ای در مورد مصر (سال ۱۳۷۵) اشاره کرد. صالح وردانی نیز در سال ۱۳۸۲ کتاب شیعه در مصر از آغاز تا عصر امام خمینی را نگاشته است. کتاب اطلس شیعه نوشته رسول جعفریان نیز جغرافیا و تاریخ شیعیان در تاریخ اسلام تا به امروز را تبیین و مطالبی درباره حضور شیعیان مطرح کرده

است. همچنین محمدعلی چلونگر در کتاب *زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان* علل و زمینه‌های پیدایش خلافت فاطمیان در افریقه و مغرب را بررسی کرده است. این کتاب از منابع مهم و ارزشمند درباره حضور شیعیان در افریقا است. نویسنده اشاره می‌کند که فاطمیان با بهره‌گیری از باور مهدویت، قیام خود را در مصر و مناطق دیگر گسترش دادند. تفکر مهدویت قبل از حضور فاطمیان، در قبایل بربر و در منطقه مغرب وجود داشت و ایشان از این نفوذ استفاده کردند.

همچنین می‌توان به مقاله فیروز آزادی با عنوان «ظهور و افول تشیع در مصر از فتح اسلامی تا پایان سفیانیان (۲۰-۶۴ق)» (مجله *شیعه‌شناسی*، ۱۳۹۲)، مقاله *مطهره حسینی* در مورد شیعیان مصر گذشته و حال (فصل *نامه جستارهای سیاسی معاصر*، ۱۳۸۹)، مقاله *غلامرضا گای زواره* در مورد اهل بیت (ع) در قلب مصر (مجله *فرهنگ کوثر*، ۱۳۸۳)، مقاله *مهدی جلیلی* در مورد گرایش‌های شیعی در مصر تا میانه سده سومق (مجله *مطالعات اسلامی*، ۱۳۸۱) و مقاله *محسن پاک‌آیین* به نام «موده آل‌البیت (ع) فی مصر» که عباس الاسدی آن را ترجمه کرده (مجله *رساله‌التقلین*، ۱۳۷۴) اشاره کرد. علاوه بر اینها، سید هادی خسروشاهی مجموعه مقالات برخی نویسندگان معاصر عرب را به نام *أهل البیت فی مصر* گردآوری کرده و در سال ۱۳۸۰ در مجمع تقریب مذاهب اسلامی به چاپ رسانده است.

با توجه به اشارات پراکنده منابع مذکور، مقاله حاضر درصدد است با نگاهی جامع، حضور شیعه از زمان فتح مصر تا پایان قرن سوم هجری در افریقا را بررسی کند و عوامل حضور شیعیان و علاقه مردم مصر به شیعیان را در چهارچوب سؤالات مطرح شده پاسخ دهد. حضور شیعیان در افریقا در سه محور بخش‌بندی شده است: الف) حضور طرفداران امام علی (ع) و اصحاب ایشان در زمان فتح مصر که همراه با لشکرکشی مسلمانان صورت گرفته است؛ ب) مهاجرت سادات که باعث گسترش شیعه در افریقا در سده‌های اول تا سوم شده است؛ ج) قیام‌ها و تبلیغات شیعیان درباره اهل بیت که منجر به علاقه مردم مصر و افریقا به مذهب تشیع شد.

حضور مسلمانان در افریقا

عرب‌ها قبل از اسلام با مصر مراودات تجاری داشتند و با ثروت و جایگاه این منطقه به

خوبی آشنا بودند. از این رو مصر پس از اسلام نیز برای عرب‌های تازه‌مسلمان دارای جایگاه ویژه‌ای بود. می‌توان گفت یکی از دلایل مهم حضور مسلمانان در این منطقه، آشنایی پیشین آنان با وضعیت جغرافیایی، تجاری، سیاسی و فرهنگی مصر بود. عمرو بن‌عاص شناخت ویژه‌ای از مصر داشت و در هنگام فتح این منطقه کمک فراوانی به مسلمانان کرد.

بر اساس متون تاریخی، ورود مسلمانان به مصر و شمال آفریقا در چند مقطع صورت گرفت. ورود اولین گروه از مسلمانان در ماه رجب سال پنجم بعثت با مهاجرت به حبشه به سرپرستی جعفر ابن‌ابی طالب انجام شد. در آنجا بود که نجاشی، پادشاه حبشه، با اسلام آشنا شد (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۱). همچنین پیامبر(ص) در ماه محرم سال هفتم هجری چند نامه از مدینه برای نجاشی پادشاه حبشه، مقوقس حاکم مصر و حاکمان برخی از کشورها ارسال کرد. در طی این مدت شماری از مسلمانان در حبشه حضور داشتند و با احترام با آنان برخورد می‌شد. گروهی از مسلمانان نیز با مصریان مراودات تجاری داشتند. بعد از رحلت پیامبر(ص) و شروع فتوحات در دوره خلفای راشد، مسلمانان در سال ۲۰ق به فرماندهی عمرو بن‌عاص، به مصر حمله کردند و مناطقی از آن را به تصرف درآوردند. می‌توان فتح این مناطق را به هفت مرحله تقسیم کرد:

مرحله اول: از سال ۲۰ تا ۴۹ق؛ در این مرحله مناطقی مانند برقه، طرابلس، صبراته، فزان (بلاذری، ۱۴۳۰: ۱۲/۳-۱۳) به دست عمرو بن‌عاص، مناطق سیبطه و قلعه اجم در جنوب قیروان (ابن‌خیاط، ۱۴۱۵: ۱۳۴/۱-۱۳۵) به دست عبدالله بن سعد بن‌ابی‌سرح، منطقه واقع تا دشت قمونیه در جنوب قرطاجنه (ابن‌خیاط، ۱۴۱۵: ۱۹۲/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۲۹/۵) و سوسه، جلولا، بنزت و جزیره جربه (بردی، ۱۳۹۲: ۱۳۲/۱؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۰: ۱۱۸/۲) به دست معاویه بن‌حدیج سکونی فتح شدند.

مرحله دوم: از سال ۴۰ تا ۵۵ق؛ در این مرحله شهر قیروان در جنوب قرطاجنه به دست عقبه بن‌نافع ساخته شد (ابن‌خیاط، ۱۴۱۵: ۱۹۵/۱؛ ابن‌عبدالحمیم، ۱۹۲۰: ۲۶۴) و مراکز پشتیبانی نظامی جهت حفظ فتح مناطق ودان فزان، خاور و غدامس طراحی و اجرا شد.

مرحله سوم: از سال ۵۵ تا ۶۲ق؛ در این مرحله ابومهاجر جزیره شریک، شهرهای قرطاجنه، میله در مغرب ادنی، میانه (بردی، ۱۳۹۲: ۱۵۲/۱) و مسلمه را فتح کرد (مونس، ۱۹۹۲: ۹۰/۱).

مرحله چهارم: از سال ۶۲ تا ۶۴ق؛ در این مرحله منطقه حاصل خیز زاب در مغرب میانه و مسئله (ابن عبدالحکیم، ۱۹۲۰: ۲۶۷؛ مونس، ۱۹۹۲: ۹۲/۱)، تاهرت و طنجه (مونس، ۱۹۹۲: ۹۳) به دست عقبه فتح شد. این مرحله با کشته شدن عقبه به پایان رسید.

مرحله پنجم: از حدود سال ۶۵ق تا اواخر ۷۴ق؛ در این مرحله زهیر بن قیس فرمانده لشکر بود. او اقدام به گرفتن مجدد مناطقی کرد که پس از کشته شدن عقبه از دست مسلمانان خارج شده بودند (بردی، ۱۳۹۲: ۱۶۰/۱) و توانست منطقه قیروان را تصرف کند. وی در درگیری با رومی‌ها در درنه کشته شد و جنگ در جبهه افریقا، تا دفع فتنه ابن‌زبیر به دست عبدالملک بن مروان، بدون اقدام خاصی متوقف شد (ابن عذاری المراکشی، ۱۹۵۰: ۳۴۱/۳۵).

مرحله ششم: از اواخر سال ۷۴ تا ۸۵ق؛ در این مرحله حسان بن نعمان غسانی مناطق قرطاجنه، دژ بسته، قلعه‌هایی مانند قابس، قسطیلیه و مغرب میانه را فتح کرد (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۲۳۸/۴؛ ابن عذاری المراکشی، ۱۹۵۰: ۲۵/۱).

مرحله هفتم: از اواخر سال ۸۵ تا ۸۶ق؛ این مرحله که آخرین مرحله فتح شمال افریقا به دست مسلمانان به شمار می‌رود، با انتخاب موسی بن نصیر به فرماندهی لشکر اسلام در افریقا شروع شد (ابن عبدالحکیم، ۱۹۲۰: ۲۷۴). فعالیت موسی بن نصیر در اواخر سال ۸۵ق شروع شد و به فتح قلعه زغوان، سجومه، سبته، طنجه (مغرب اقصا)، جنوب کوه‌های اطلس، مغرب میانه تا سوس عقبا انجامید (ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ۶۶/۲-۶۸). پس از این مرحله مسلمانان به سمت اندلس و فتح آن رفتند.

زمینه‌های تاریخی ورود شیعیان و اهل بیت (ع) به افریقا

ورود شیعیان به افریقا همزمان با ورود مسلمانان به این منطقه بوده است. آنها در فتوحات مسلمانان همراه سپاه اسلام به تدریج در افریقا حضور یافتند و در مناطق فتح شده باقی ماندند. با افزایش شمار شیعیان در افریقا، پس از مدتی در برخی مناطق مفتوحه حکومت‌های شیعه تأسیس شدند (دیویدسن، ۱۳۵۸: ۹۵).

در حقیقت با حضور اصحاب خاص امام علی (ع) در مصر و مهاجرت گروهی از تابعان (ابن عبدالحکیم، ۱۹۲۰: ۲۹۲؛ سیوطی، ۱۳۹۴: ۲۰۷/۱، ۲۵۵)، مذهب تشیع رسماً در این منطقه نفوذ و حضور یافت. عمار یاسر در زمان عثمان بن عفان به مصر رفت و به تبلیغ

اهل بیت (ع) مشغول شد. موفقیت او به قدری بود که بیشتر مصریان در برابر عثمان بن عفان از علی (ع) طرفداری کردند، سپس با ولایت قیس بن سعد بر مصر، شیعیان در آنجا گرد هم آمدند. پس از روی کار آمدن عمرو بن عاص در مصر تا سقوط امویان فعالیت شیعیان با محدودیت‌های شدیدی روبه‌رو شد؛ اما محبت علی (ع) در میان مردم از بین نرفت و با سقوط بنی‌امیه آنان تشیع خود را ابراز کردند.

علاوه بر این، رفتار ظالمانه حکومت مرکزی علیه علویان گروهی از آنان را به سمت افریقا، که از مرکز دور بود، هدایت کرد؛ از این رو حضور آنان نیز باعث تبلیغ شیعه در آن منطقه شد (حلبی، ۱۴۰۹: ۱۸۱/۲؛ کلاعی، ۱۹۷۷: ۱۲۴/۲). از دیگر عوامل مهاجرت علویان به مصر، وجود موقوفاتی بود که در صدر اسلام به علویان اختصاص یافته بود (ابن‌طباطبای اصفهانی، ۱۳۷۷: ۲۹۱، ۳۰۶؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۵۷۸/۲).

یکی از کسانی که پس از شکست در قیام‌ها علیه حکومت مرکزی (بنی‌امیه) به مصر مهاجرت کرد، ادریس بن عبدالله بود. او پس از نجات از شکست قیام خود در حجاز به سال ۱۷۲ق برای اولین بار توانست حکومت ادریسیان شیعی مذهب را در شمال افریقا تأسیس کند. گستره این حکومت حدود کشور مغرب و الجزایر فعلی بود (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۳۹: ۴۸۸). علاوه بر شیعیان و علوی‌ها، گروه‌های دیگر نیز به افریقا مهاجرت کردند و حتی موفق به تشکیل حکومت شدند. خوارج اباضی و صفری از گروه‌هایی بودند که در اواخر قرن اول هجری، برای رهایی از امویان به افریقا (مغرب) آمدند و نیم قرن بعد توانستند دولتی در سجلماسه و تاهرت ایجاد کنند (طقوش، ۱۳۸۵: ۶۶). در کنار خوارج و اباضیه، گروه‌هایی از شیعیان، معتزله، مرجئه و صوفیه نیز ظهور پیدا کردند.

بنابراین می‌توان گفت شناخت مردم افریقا از مذهب تشیع در اواسط قرن دوم هجری بیشتر شده بود (عودی، ۱۳۸۵: ۱۵۱). در این جریان، اعرابی که گرایش‌های شیعی داشتند، در شهرهای مختلف ساکن بودند. شهر نطفه یکی از این شهرها بود که به پایگاه شیعیان شهرت داشت. فعالیت و سکونت شیعیان در نطفه به حدی بود که آن را کوفه کوچک (الکوفه الصغری) می‌گفتند (بکری، ۱۹۹۲: ۷۴۳/۲). با وجود این، کسب اطلاعات در مورد شیعیان و محل سکونت آنها در افریقا پراکنده است و بیشتر نویسندگان به کسانی که امام صادق (ع) برای تبلیغ به افریقا فرستاده بودند، اشاره کرده‌اند (ابن‌حیون، ۱۴۲۶: ۵۵-۵۴؛ بغدادی، ۱۴۰۸: ۲۴۷).

بر اساس متون تاریخی، علی بن محمد بن عبدالله از نوادگان امام حسن (ع)، اولین علوی بود که وارد مصر شد و مردم با او بیعت کردند. وی تلاش‌هایی برای احیای تشیع در مصر انجام داد؛ اما در مقابل حکام عباسی ناکام ماند (ممتحن، ۱۳۷۱: ۹). ورود شیعیان و سادات به مناطق دیگر افریقا، مانند لیبی و سودان، به قرن‌های اول تا چهارم هجری برمی‌گردد. همچنین حضور برخی از شیعیان در منطقه زنگبار در قرون اول صورت گرفته است، به نحوی که امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه (علی بن حسین (ع)، ۱۳۸۳: دعای ۲۷) برای مزدداران اسلامی در این منطقه مغفرت و مدد الهی طلب کرده است. علاوه بر شیعیان نخستین، گروه دیگری از شیعیان شش‌امامی نیز وارد زنگبار شدند. همچنین در قرن اول هجری در تونس، شیعیان قبل از دولت اداره (ادریسی‌ها) و فاطمیان حضور داشتند و بنی‌امیه همان کاری را که در حره^۱ انجام داده بودند، در تونس با شیعیان انجام دادند. فعالیت‌های شیعیان در افریقا به تدریج باعث قدرت‌یابی گروه‌های شیعی شد. در نتیجه، عبدالله المهدی در سال ۲۹۶ق در تونس، سلسله فاطمیان را تشکیل داد. فاطمیان پس از مدتی مصر را تصرف کردند و مرکز حکومت خود را به آنجا بردند. تونس تا سال ۴۳۸ق کاملاً شیعه‌نشین بود.

چگونگی قدرت‌یابی شیعیان در شمال افریقا

در گسترش یک تفکر عوامل مختلفی چون قدرت اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای، آموزه‌ها و گزاره‌های اعتقادی (هست‌ها/اصول)، دستورهای عملی، اخلاقی و ارزشی که بر پایه آموزه‌های اعتقادی استوار شده‌اند (بایدها/فروع)، اثر دارند، به نحوی که هر نوع تفکر، دیدگاه رفتار خاص خود را دارد و بر مبنای دیدگاه و تفکر خود می‌تواند گروهی را جلب کند. در خصوص حضور و قدرت شیعه در شمال افریقا می‌توان نظریه‌هایی عقیدتی، اقتصادی و اجتماعی را ارائه داد. این نظریات می‌توانند مقدمه‌ای برای یک بررسی جامع باشند.

باورها و تفکرات شیعیان ویژگی‌هایی داشت که سبب توجه و گرایش تازه مسلمانان می‌شد. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از امامت، اجتهاد، مهدویت و تقیه که در بین شیعه امامیه دیده می‌شد (شامی، ۱۳۶۷: ۱۸۶). شیعیان با داشتن این معیارها موفق شدند مردم را با تشیع آشنا کنند و باعث جذب برخی افراد شوند.

از دیگر اقدامات شیعیان در جلب مردم افریقا، فعالیت‌های آنان در هنگام خلافت امام علی (ع) بود. یاران ایشان با برقراری روابط سیاسی، اجتماعی و تبلیغی، مردم این منطقه را با اهل بیت (ع) آشنا کردند و دیدگاه آنان را به مردم انتقال دادند. برخی از اقدامات این افراد — از جمله ابوذر غفاری، مقداد بن اسود کندی و ابویوب انصاری که از صحابه رسول الله (ص) بودند (مظفر، ۱۳۹۳: ۲۸۵) — چنان مؤثر شد که مردم مصر در به حکومت رسیدن امام علی (ع) نقش مهمی را ایفا کردند.

عوامل داخلی جامعه افریقا نیز باعث رشد و گسترش مذهب تشیع شد. در ادامه این عوامل را تشریح می‌کنیم.

الف) تشابه اقدامات حاکمان مسلمان غیر شیعه با رومی‌ها و بیزانسی‌ها در اداره مناطق مختلف افریقا: اقدامات رومی‌ها و بیزانسی‌ها باعث نارضایتی مردم مصر (قبطیان) شده بود. آنان هدفی جز جمع‌آوری اموال برای حکومت مرکزی خود نداشتند و به رفاه مردم و آبادانی شهرها توجه نمی‌کردند (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۶۸). سیستم مالیات‌گیری بیزانسی‌ها از مردم مصر پیچیده، نامنظم و همراه با ظلم بود و تنها مالکان از این شیوه مالیات‌گیری بهره‌مند می‌شدند (دنت، ۱۳۵۸: ۱۰۸، ۱۰۹). مذهب بیشتر مردم مصر یعقوبی بود و امپراتوری روم و کلیسای قسطنطنیه مذهب ملکایی داشتند. هرقل، امپراتور روم، سعی کرد از طریق اعمال فشار، مذهب ملکایی را در آن کشور رواج دهد (اشپولر، ۱۳۵۴: ۵۰؛ مونس، ۱۳۸۴: ۶۱). در نتیجه «نارضایتی قبطی‌ها از حاکمیت رومیان، زمینه پذیرش عرب‌ها را به‌عنوان مردمانی نجات‌دهنده از ستم دولت بیزانس فراهم کرده بود» (ابوجعفر طبری، ۱۳۸۷: ۵۱۱/۲). این اقدامات پس از به قدرت رسیدن مسلمانان در زمان حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس ادامه یافت. گفته شده که پس از اسلام، مردم مصر جزیه و خراج می‌پرداختند و میزان جزیه پرداختی مصریان به مسلمانان بسیار کمتر از مالیاتی بود که به بیزانسی‌ها داده می‌شد (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۴۲۰/۳؛ دینوری، ۱۹۶۰: ۱۳۹)؛ اما همچنان وجوه اخذ شده، مانند زمان بیزانسی‌ها، برای حکومت مرکزی ارسال می‌شد و کمتر برای بهبود وضعیت مردم به کار می‌رفت. از این رو با توجه به تبلیغ شیعیان در مورد اهل بیت (ع) و بیان عملکرد حکومتی آنان مردم افریقا به تشیع گرایش پیدا کردند.

ب) حضور اعراب مهاجر در قسمت‌های شمالی و جنوبی مصر: با توجه به بررسی منابع مختلف و گزارش‌های موجود، حدود ۱۲ هزار عرب با خانواده خود به مصر

مهاجرت کردند و در فتح مصر حضور داشتند. از دلایل مهاجرت اعراب به این مناطق می‌توان نیاز به نیرو برای فتح مناطق مختلف شمال افریقا (خامسی‌پور، ۱۳۸۲: ۲۷۳) و تشکیل سپاه مرابطه اشاره کرد. به این افراد از درآمد صدقات و غنائم به‌دست آمده پول پرداخت می‌شد (کندی، ۱۴۰۷: ۴۱۸). هر سال گروهی از مدینه یا سایر مناطق اسلامی به سپاه مرابطه می‌پیوستند (ابن‌الحکم، ۱۹۲۰: ۱۳۰-۱۳۱؛ کندی، ۱۴۰۷: ۳۶). تشویق خلفا و حاکمان اسلامی برای مهاجرت قبایل عرب برای ایجاد تعادل جمعیت در مناطق فتح‌شده (مقریزی، بی‌تا: ۲۹)، هجرت برخی از قبایل عرب برای پیوستن به اقوام خود در افریقا، (رمضان، ۱۹۹۴: ۱۳) حاصل‌خیزی زمین‌های افریقا و آب و هوای مناسب (ریطی، ۱۹۹۶: ۶۵) از دیگر دلایل مهاجرت اعراب به بخش‌های شمال و جنوب مصر بود.

از قبایلی که به مصر مهاجرت کردند می‌توان به «۳۰ قبیله و ۳۰ بطن از عدنانی‌ها، ۶۱ قبیله و ۱۱۱ بطن از قحطانی‌ها و ۳ قبیله دیگر اشاره کرد که در شهرهای آنجا پراکنده شدند» (خورشید البری، ۱۹۹۲: ۷۲). در این میان، گروه‌های شیعی نیز به مناطق مختلف افریقا مهاجرت کردند. مهاجرت سادات یکی از عوامل تاریخی گرایش مصریان به اهل بیت (ع) بود. جمعیت زیادی از سادات، که با لقب اشراف شناخته می‌شدند، در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس به افریقا مهاجرت کردند و در آنجا ساکن شدند. مسعودی از مهاجرت ۷۳ نفر از علویان و نویسنده کتاب *منتقله الطالبیه* از مهاجرت بیش از ۸۰ نفر به مصر یاد کرده است (ابن‌طباطبا علوی اصفهانی، ۱۳۷۷: ۲۹۱). سادات و علویان برای اینکه از عوامل حکومت دور باشند، بیشتر در مناطق جنوبی مصر و افریقا ساکن شدند. نفوذ آنها در مصر به حدی افزایش یافت که متوکل عباسی برای جلوگیری از نفوذ بیشترشان دستور داد آنها را از مصر اخراج کنند (جباری، ۱۳۸۲: ۱۰۷/۱).

ج) نقش خراسانیان در گسترش تشیع در شمال افریقا: پس از اینکه اهالی خراسان و نواحی شرقی ایران بر ضد خلافت ضد اسلامی امویان قیام کردند و بساط حکومت آنان را که به نام اسلام بر مردم مسلمان حکومت می‌کردند، برانداختند، عباسیان بر اریکه خلافت مستقر شدند. در این دوران، تمام امور کشوری و لشکری ممالک اسلام به دست ایرانیان، به خصوص خراسانیان، افتاد. به‌طور کلی عباسیان نژاد عرب را از مناصب حکومتی دور ساختند. در این جریان، یکی از مناطقی که مورد توجه عباسیان بود و بیم داشتند که از آنجا خطری متوجه ایشان شود، سرزمین‌های مغرب اقصا و

شمال آفریقا بود؛ زیرا هنوز حکومت اندلس به دست امویان بود و می‌ترسیدند از آن ناحیه تحرکاتی صورت بگیرد. به همین دلیل از دوره مهدی عباسی به بعد، حکام مصر و آفریقا از میان مردم خراسان، که دشمنان سرسخت بنی‌امیه بودند، انتخاب می‌شدند. در این زمان نفوذ خراسانیان و مردمان مشرق ایران در مصر و مناطق آفریقای شمالی بیشتر شد و حفظ حدود اسلامی بر عهده آنها قرار گرفت. تقریباً از زمان مهدی عباسی تا ظهور فاطمیان در مصر و آفریقا، حدود سی نفر حکومت کردند و مدت دویست سال بر مصر، شمال آفریقا، مغرب اقصا، سواحل مدیترانه و سایر متصرفات اسلامی در نواحی غرب و کرانه‌های اقیانوس اطلس فرمانروایی داشتند. در زمان این حکام هزاران فقیه، مجتهد، مفسر، محدث، قاضی، امیر، دبیر و سیاستمدار از خراسان و سایر شهرهای ایران به مناطق غربی مهاجرت کردند و مبان‌ی و قواعد اسلامی را در آن سرزمین‌ها ترویج دادند. در کتب علمی و تاریخی اسلامی شمال آفریقا و اندلس، نام بسیاری از ایرانیان دیده می‌شود (مطهری، ۱۳۹۴: ۷۹-۸۰، ۳۵۲).

در این بین شیعیان نیز در این مناطق حضور و فعالیت داشتند و به تبلیغ تشیع مشغول بودند.

د) اقتصاد: در اثر عوامل اقتصادی، بربرها شورش‌ها و قیام‌های مختلفی در منطقه تحت حاکمیت مسلمانان ایجاد کردند. حتی حمایت از یک گروه یا فرد نیز تابعی از عوامل اقتصادی بود؛ برای نمونه می‌توان به شورش سپاهیان عرب در سال ۱۹۶ق علیه عبدالله بن‌اغلب، که از طرف پدرش حاکم طرابلس شده بود، اشاره کرد (ابن‌اثیر جزری، ۱۴۰۷: ۳۹۲/۵). این عامل باعث شده بود که بربرها گرایشی به عقاید مختلف نشان دهند. در مناطقی دیگر از مغرب زمین که بربرها مشکل اقتصادی نداشتند، گرایشی به عقاید مختلف مشاهده نشده است. در این باره باید به قبایل صنهاجه و کتامه اشاره کرد که به علت داشتن استقلال اقتصادی، خود را از شورش خوارج در شمال آفریقا (قرن دوم هجری) دور نگه داشتند (عبدالرزاق، ۱۹۷۶: ۲۳۷). طبیعی بود که با افزایش فقر، پذیرش دیگر عقاید مذهبی که پشتوانه مالی داشتند، به آسانی صورت می‌گرفت؛ از این رو با توجه به افزایش جزیه و خراج از سوی خلفای اموی، می‌توان بین پذیرش عقاید مختلف از سوی بربرها و فشار اقتصادی ایجاد شده ارتباط برقرار کرد. طبری بیان می‌کند که در زمان عثمان بن‌عفان، وقتی عبدالله بن‌سعد ابن‌ابی‌سرح والی مصر شد،

یک گروه از مردم افریقا به سبب مسئله خراج، برکناری وی را از خلیفه خواستار شدند. خلیفه خواسته آنان را پذیرفت و حتی اموالی بین آنان تقسیم کرد (طبری، ۱۳۸۷: ۵۹۹/۲). در این میان برخی از سادات که قصد قیام علیه حکام وقت را داشتند، با کمک‌های مالی خود تلاش می‌کردند این گروه‌ها را به مذهب تشیع جذب کنند.

یکی دیگر از عوامل آشنایی مردم افریقا با شیعه و تفکرات آنان، قیام‌های مختلف بود که بنا بر مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی صورت می‌گرفت؛ مثلاً قیام‌های فرزندان و نوادگان امام حسن (ع) در زمان‌های مختلف و کوچ تعدادی از آنان پس از شکست قیام به مصر و افریقا در انتقال دیدگاه شیعه تأثیر بسیاری داشت (رازی، ۱۹۹۵: ۴۴). مردم این منطقه در قیام‌های مختلف در کنار سادات بودند و آنان را رهبر خود معرفی می‌کردند؛ زیرا فرزندان اهل بیت همانی را می‌گفتند و می‌خواستند که مدنظر مردم آن منطقه بود. پس از وقوع عاشورا، این واقعه چنان حرکت و قدرتی در مسلمانان ایجاد کرد که موجب تحولات عظیمی در جامعه اسلامی شد. مصر و افریقا نیز از پیامدهای این واقعه دور نماندند و مردم این مناطق پس از شهادت امام حسین (ع) علیه حاکم وقت دست به شورش زدند (مقریزی، ۱۴۱۸: ۳۸۷/۴).

اقدامات فرهنگی شیعیان در شمال افریقا

امور فرهنگی از اقدامات بسیار مناسب برای آشنا کردن مردم با باورها و اعتقادات یک مکتب هدفمند است. شیعیان ساکن مصر و شمال افریقا از این مسئله به نحو مناسبی استفاده کردند. از اقدامات فرهنگی آنها در افریقا می‌توان آموزش تفسیر قرآن، به‌خصوص آیاتی که نشان‌دهنده بزرگی اهل بیت (ع) بود، بیان احادیث رسول الله (ص) در مورد اهل بیت (ع)، بیان فضیلت‌های امام علی (ع) به عنوان جانشین بر حق رسول الله (ص)، کمک‌های مالی، آموزش مسائل فقهی و ساخت مسجد را نام برد.

حضور یاران امام علی (ع) در بین مردم افریقا که تازه با اسلام آشنا شده بودند و به شناخت اسلام واقعی علاقه داشتند، تأثیر بسیاری بر محبت به اهل بیت (ع) بر جا گذاشت. هر جا اهل بیت (ع) و فرزندان‌شان نیاز به کمک داشتند، مردم افریقا از کمک به آنان دریغ نمی‌کردند، به‌نحوی که در قیام علیه عثمان بن عفان و همچنین به حکومت رسیدن افرادی که با امام نسبتی داشتند، کمک شایانی کردند و باعث به قدرت رسیدن

آنان نیز شدند (مظفر، ۱۳۹۳: ۲۵۷-۲۵۸). «شافعی مذهبها به خاطر حضور امام شافعی و ارادتی که شافعیان به حضرت علی(ع) و اولاد ایشان داشتند، در شناساندن اهل بیت و دیدگاه آنان به مردم مصر تأثیر داشتند» (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۵/۴۲۴).

جایگاه شیعه در افریقا از قرن اول تا سوم

اطلاع دقیقی از شیعه شدن اقوام مختلف در افریقا در دست نیست؛ اما می‌توان با بررسی دیدگاه مذهبی تشیع، شیعه شدن تعدادی از افراد در قبایل افریقا را تأیید کرد. چنانکه اشاره شد، با حضور تعداد بسیاری از دوستان اهل بیت (ع)، تشیع در مصر و افریقا گسترش یافت. در این دوره، برخی از فرقه‌های اسلامی مانند شافعیان، به اهل بیت (ع) علاقه نشان می‌دادند و اگرچه از نظر فقهی به فقه شیعه عمل نمی‌کردند (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۵/۴۲۴)، تأثیر فراوانی در رشد و شکوفایی حکومت‌های مختلف شیعی داشتند. حکومت‌ها نیز به احترام آنان، در آموزش مباحث فقهی مدارس علمیه، مانند الازهر، مانعی ایجاد نمی‌کردند.

بر اساس منابع تاریخی، بربرهای ساکن مناطق افریقا بنا به دلایل مختلف، مانند فاصله طبقاتی، پرداخت مالیات زیاد و تبعیض نژادی قیام می‌کردند یا با گروه‌های انقلابی شیعی که با دولت مرکزی در حال نزاع بودند، همکاری می‌کردند تا باعث پیروزی آنان شوند. آنان در قبال همکاری‌شان از امتیازات خاصی نیز بهره‌مند می‌شدند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱/۴۵۰؛ ابن عماد، ۱۴۰۶: ۱/۱۹۴؛ ابن ابار، ۱۴۲۹: ۱/۸۵).

در جامعه مصر و افریقا تفکرات و دیدگاه‌های مختلفی وجود داشت. گروهی به اسلام گرویده بودند. گروهی دیگر اسلام را نپذیرفته بودند، ولی برای آنان ماهیت حاکمان وقت فرقی نداشت و فقط می‌خواستند که زندگی‌شان در صلح و آسایش سپری شود. برخی از مسیحیان ساکن در آن مناطق، در لوای حکومت اسلامی با پرداخت جزیه به زندگی خود ادامه می‌دادند، به شرطی که آزادی عمل داشته باشند. وقتی یک حکومت شیعی یا غیر شیعی به قدرت می‌رسید، تا زمانی که منافع آنان به خطر نمی‌افتاد، مخالفتی نداشتند (عبدالرزاق، ۱۹۷۶: ۲۳۷). بر این اساس، دیدگاه‌های شیعی، مانند برابری افراد و نبود فاصله طبقاتی، همخوانی بیشتری با انتظارات بربرها و ساکنان محروم افریقا داشت که به تدریج موجب گسترش و رشد فزاینده تشیع در بین اهالی افریقا می‌شد.

اقدامات سیاسی شیعیان در مصر و افریقا

شیعیان پس از استقرار در مناطق افریقا، موقعیت سیاسی و اجتماعی خود را تحکیم کردند و به تدریج علیه حاکمان وقت موضع گرفتند و قیام‌هایی علیه آنها انجام دادند. این قیام‌ها با اینکه در برخی مواقع موفق و در مواردی ناموفق بودند، موجب گسترش ایدئولوژی مکتب تشیع در میان مردم این مناطق شدند. گفتنی است حرکت‌های شیعیان در مصر تا پیش از دوره بنی‌عباس را نمی‌توان یک قیام در نظر گرفت، بلکه این اقدامات بیشتر جنبه حمایتی داشتند و در برخی موارد به صورت مخالفت با سیاست‌های خلفای وقت نمایان می‌شدند.

محمد بن ابی‌حذیفه، از یاران خاص امام علی(ع)، قبل از خلافت ایشان در مصر ساکن بود. وی در زمان عثمان بن عفان والی مصر، عبدالله بن سعد بن ابی‌سرح را اخراج کرد و زمام امور را در دست گرفت (حرزالدین، ۱۳۹۱: ۲۵۰). این موضوع به خلیفه اعلام شد و عثمان جهت جلوگیری از خروج وی تصمیم گرفت با پرداخت سیصد هزار دینار او را به خود متمایل کند؛ اما وی نپذیرفت (ابن‌اثیر جزری، ۱۴۰۷: ۲۶۵/۷-۲۶۶). در زمان خلیفه سوم، حضور شیعیان در مصر نمود بارزی یافت، به نحوی که خلیفه سعی می‌کرد آنان را تا حدودی راضی نگه دارد یا ساکت کند؛ اما این ترندها راه به جایی نبرد و سرانجام گروهی از طرفداران امام علی(ع) علیه خلیفه قیام کردند که به قتل عثمان انجامید.

پس از کشته شدن عثمان بن عفان، که مصریان نقش مؤثری در قتلش داشتند، مردم مصر بر خلافت امام علی(ع) تأکید کردند (ابن‌اثیر جزری، ۱۴۰۷: ۱۵۹/۳؛ سیوطی، ۱۳۷۱: ۵/۲). در دوران خلافت امام علی(ع) که شامیان به رهبری معاویه علیه امام علی(ع) دست به شورش زدند، مصر جایگاه ویژه‌ای نزد امام داشت. امام علی(ع) برای افزایش قدرت شیعیان در مصر، قیس بن سعد عباده را به حکومت مصر منصوب کرد. پس از این انتخاب، همه مصریان، غیر از ساکنان منطقه خربنا که طرفدار عثمان بن عفان بودند، از امام علی(ع) اطاعت کردند (مقریزی، ۱۴۱۶: ۹۳/۴). معاویه که به شدت از قیس می‌ترسید، سعی کرد او را به خود متمایل کند که موفق نشد؛ اما با ایجاد شایعه باعث عزل قیس شد (کندی، ۱۴۰۷: ۲۳-۲۴). پس از قیس، محمد بن ابی‌بکر به حکمرانی مصر رسید (مسعودی، ۱۴۰۹: ۷۶۸/۲)، ولی به علت اهمیت مصر، امام علی(ع) مالک اشتر نخعی

را به جای محمد بن ابی بکر به مصر فرستاد. مالک قبل از رسیدن به مصر، با توطئه عمرو بن عاص به شهادت رسید. محمد بن ابی بکر نیز در جنگی نابرابر در برابر سپاه شام به شهادت رسید.

با ورود کارگزاران مورد اعتماد امام علی (ع) به مصر، مردم این دیار با اندیشه‌های مذهب تشیع آشنا شدند و جوهره اندیشه شیعی، مانند عدالت و مساوات، در آنان رسوخ کرد، به نحوی که توده‌های مختلف مردم مصر برای تحقق آن با رهبران قیام‌های علوی همکاری می‌کردند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۷۷/۲).

پس از شهادت امام علی (ع) تا پایان سده سوم هجری روند گسترش تشیع به دلیل سیاست‌های کینه‌توزانه حاکمان وقت وارد مرحله‌ای خاص شد و علویان به شدت تحت نظر قرار گرفتند. شیعیان برای مقابله با حکام دو روش در پیش گرفتند؛ گروهی (شیعه امامیه و در برخی موارد خاص زیدیه) تقیه را در پیش گرفتند و به ساماندهی طرفداران خود همت گماشتند (حسین، ۱۳۸۵: ۷۸، ۸۸، ۱۳۴، ۱۴۱). گروهی دیگر، مانند سادات زیدی و حسنی، قیام علیه حکومت را در رأس کار خود قرار دادند. در دوران بنی‌امیه با توجه به سیاست سرکوبگرانه آنها، شیعیان آزادی عمل زیادی در مصر نداشتند و نمی‌توان کارهای انجام‌شده را یک قیام مؤثر دانست، بلکه بیشتر واکنش‌های اجتماعی صورت می‌گرفت، از جمله برگزاری سوگواری پس از شهادت امام حسین (ع) و برخی موارد مشابه.

بعد از شهادت محمد بن ابی بکر، در سال ۳۸ ق عمرو بن عاص حاکم مصر شد (کندی، ۱۴۰۷: ۳۱-۳۴) و تا سال ۴۳ ق عهده‌دار امور بود. پس از مرگ وی، همچنان نمایندگان معاویه والی مصر بودند. در این زمان، سپاهیان شام و اشراف، طرفدار معاویه و توده‌های مردم طرفدار امام علی (ع) بودند (مقریزی، ۱۴۱۶: ۱۵۶/۴). شیعیان در این مدت، به علت برخورد قهری حکومت تقیه می‌کردند و می‌توان گفت تا زنده بودن معاویه، شیعه در این منطقه نمودی نداشت.

از شواهد تاریخی برمی‌آید که شیعیان در مصر با وجود فشارهای بسیار حکومت، طرفدارانی داشتند که پس از سال‌ها حکومت جابرا نه بنی‌امیه، همچنان با قدرت فعالیت می‌کردند. برای مثال، زمانی که در سال ۱۲۲ ق هشام بن عبدالملک سر بریده زید بن علی را به آن منطقه فرستاد، مردم مخفیانه سر زید را دفن کردند (همان: ۳۱۷/۴).

هنگامی که عباسیان برای سرکوب باقی مانده امویان و دستگیری مروان وارد مصر شدند، با پوشش سیاه مصریان مواجه شدند که نشان از گرایش شیعی مردم مصر بود. گویی شعار «الرضا من آل محمد» موجب فریب مصریان نیز شده بود و به همین جهت از ورود سپاه عباسی استقبال کردند؛ اما پس از اینکه علویان به قدرت نرسیدند و مورد ظلم و ستم عباسیان قرار گرفتند، اهالی مصر از کمک به علویان دریغ نکردند. بر این اساس، تا پیش از قدرت یابی شیعیان در سال‌های ۲۵۲ تا ۲۷۰ق، قیام‌هایی به حمایت از علویان در مصر رخ داد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

ده سال پس از به قدرت رسیدن عباسیان، نفس زکیه، محمد بن عبدالله بن محض، علیه آنان قیام کرد. وی در سال ۱۴۴ق پسر خود، علی بن محمد بن عبدالله، را مخفیانه به مصر فرستاد. علی بن محمد به خانه عسامه بن عمرو معافری رفت؛ اما جاسوسان حضور وی را به اطلاع حکومت رساندند. شکست در دستگیری او موجب عزل حاکم مصر، حمید بن قحطبه، شد (کندی، ۱۴۰۷: ۹۱).

در دوران فرمانروایی یزید بن حاتم بر مصر (۱۴۴-۱۵۲ق) دعوت علویان حسنی آشکار شد و گروهی از مردم با علی بن محمد بن عبدالله بیعت کردند (مقریزی، ۱۴۱۶: ۱۵۸/۴). او عبدالله خالد بن سعید را جهت دعوت بنی حمود به مذهب تشیع به مصر فرستاد. سرانجام در شوال ۱۴۵ق علی بن محمد در مصر قیام کرد؛ اما قیام او ناموفق بود و کشته شد. مردم با دیدن این وضع از اطراف علی بن محمد پراکنده شدند (همان). پس از قیام علی بن محمد، گرایش مردم مصر به شیعیان افزایش یافت؛ حتی در بین کارگزاران حکومت گروهی شیعه بودند (همان: ۱۵۹/۴).

در سال ۲۵۲ق ابن ارقط در اسکندریه قیام کرد. این قیام چندان دوام نیاورد و سرکوب شد (کندی، ۱۴۰۷: ۱۶۰، ۱۶۲). قیام احمد بن ابراهیم بن عبدالله بن طباطبا معروف به بغای اکبر نیز در سال ۲۵۴ق در مصر صورت گرفت و با مرگ بغای اکبر بی نتیجه ماند. یک سال بعد قیام احمد بن محمد بن عبدالله بن طباطبا معروف به بغای اصغر، در مصر انجام شد، اما راه به جایی نبرد (مقریزی، ۱۴۱۶: ۱۶۰/۴). ابراهیم بن محمد بن یحیی معروف به ابن صوفی هم در سال ۲۵۳ق در مصر به قیام برخاست و در سال ۲۵۵ق منطقه اسنا را فتح کرد (بردی، ۱۳۹۲: ۷/۳)؛ اما در نهایت ابن طولون در سال ۲۵۹ق ابن صوفی را شکست داد (ابن اثیر جزری، ۱۴۰۷: ۲۶۳/۷). آخرین قیام علویان را هم احمد

بن عبدالله بن ابراهیم در سال ۲۷۰ق در صعید مصر صورت داد؛ اما وی نیز از ابن طولون شکست خورد و کشته شد (بردی، ۱۳۹۲: ۴۷/۳).

ایجاد حکومت شیعی در مصر و افریقا

از نیمه قرن دوم تا میانه‌های قرن سوم هجری اعراب ساکن افریقا و مصریان به مبارزه علیه عباسیان برخاستند. بعد از کشته شدن امین به دست مأمون، مصریان در بین سال‌های ۱۹۹ تا ۲۰۰ق بدون موافقت مأمون اقدام به انتخاب والی کردند (کندی، ۱۴۰۷: ۱۲۳-۱۲۴). مأمون در سال ۲۱۷ق به مصر رفت تا مشکلات را برطرف کند، ولی موفق نشد (همان)؛ از این رو در زمان معتصم اعتراضات بیشتر شد. اینکه مخالفت‌ها و حوادث سیاسی - اجتماعی در گسترش شیعه در مصر مؤثر بوده یا شیعیان از این موقعیت‌ها برای قیام استفاده کرده‌اند کمی دشوار به نظر می‌رسد؛ اما شواهدی برای فعال بودن شیعیان در مصر وجود دارد. یکی از این موارد، ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع) است که با اقبال عمومی مردم مصر مواجه شد، در حالی که مردم بغداد و بصره ولایتعهدی امام رضا(ع) را نپذیرفتند (بردی، ۱۳۹۲: ۲۶۹/۲)، اما در آن زمان و در دوره فرمانروایی سری بن حکم، مردم مصر ولایتعهدی امام رضا(ع) را پذیرفتند و با او بیعت کردند (بردی، ۱۳۹۲: ۱۶۵/۲؛ مقریزی، ۱۴۱۶: ۱۱۳/۲). حتی سری بن حکم تا زمانی که خبر شهادت امام رضا (ع) به او رسید، با مخالفان ولایتعهدی امام رضا (ع) می‌جنگید (کندی، ۱۴۰۷: ۱۳۳، ۱۳۴).

در زمان امام صادق(ع) برای کاهش محدودیت‌های حکام وقت علیه شیعیان، سازمانی به نام سازمان وکالت تشکیل شده بود. بر این اساس و بر مبنای فعالیت این سازمان، گروهی از شیعیان مانند محمد بن اشعث، احمد بن سهل، حسین بن علی مصری و اسماعیل بن موسی الکاظم جهت تبلیغ مذهب تشیع به مصر رفتند (حسین، ۱۳۸۵: ۷۸). فعالیت تبلیغی آنان بر مبنای احادیث پیامبر(ص)، بیشتر مشکلات و محدودیت‌ها و ظهور حضرت مهدی(ع) را شامل می‌شد. از سوی دیگر، تعداد تبعیدی‌های شیعه به مصر افزایش یافته بود که به گسترش تبلیغات شیعیان انجامید. از میان این افراد می‌توان جعفر بن داود قمی را نام برد که پس از شکست قیام مردم قم در سال ۲۱۰ق به مصر تبعید شد. او در آنجا همچنان به تبلیغات خود ادامه می‌داد (ابن‌اثیر جزری، ۱۴۰۷: ۳۹۹/۶، ۴۱۵، ۴۲۰؛ طبری، ۱۳۸۷: ۶۱۴/۸).

زیدی‌ها نیز فعالیت تبلیغی وسیعی را آغاز کرده بودند. قاسم رسی از پیشوایان زیدی به نام برادرش ابن طباطبا در اوایل سده سوم هجری دست به دعوت مردم زد و پس از مرگ برادرش با ادعای امامت و شعار «الرضا من آل محمد» مردم را دعوت به قیام کرد. او پس از اینکه تحت تعقیب قرار گرفت، به مصر رفت و تا پایان خلافت مأمون در آنجا تبلیغ می‌کرد؛ اما هرگز قیام نکرد (شامی، ۱۳۶۷: ۱۸۵-۱۸۶).

در همین دوران، در زمان متوکل، با فعالیت و حضور بیشتر شیعیان، کربلا و مصر کانون تبلیغی شیعه شده بود (حسین، ۱۳۸۵: ۸۳). همین مسئله باعث شد متوکل دستور تخریب کربلا را صادر و از ورود زوآر به آنجا جلوگیری کند. وی همچنین در سال ۲۳۶ق دستور تبعید گروهی از بزرگان علوی از مصر به سامرا را صادر کرد (بردی، ۱۳۹۲: ۲۸۵/۲؛ مقریزی، ۱۴۱۶: ۱۱۶/۲-۱۱۷). با این محدودیت‌ها مردم مصر شیعه بودن خود را مخفی می‌کردند (کندی، ۱۴۰۷: ۱۵۸).

در سال ۲۸۴ق و در دوره خلافت منتصر، مردم مصر با محمد بن علی بن حسین بن علی، معروف به ابن ابی حدری، بیعت کردند. این قیام با شکست مواجه شد و تعدادی از آنان به عراق تبعید شدند (حسین، ۱۳۸۵: ۸۵؛ کندی، ۱۴۰۷: ۱۵۹). اما این شکست‌ها و محدودیت‌ها نتوانست مانعی در فعالیت و تبلیغ شیعیان ایجاد کند. با توجه به نفوذ معنوی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در این نقطه حساس جهان اسلام، تعدادی از سادات علوی با حضور در این منطقه اقدام به تشکیل حکومت کردند. یکی از آنان ادریس بن عبدالله بود که از قیام فخر جان سالم به در برد و به مصر فرار کرد. وی با کمک علی بن سلیمان که ولایت مصر را داشت و واضح، جد مورخ معروف یعقوبی (مسئول برید مصر)، توانست از مصر خارج شود و نخستین دولت شیعی را در مغرب تأسیس کند. به دلیل همین اقدام، واضح جان خود را از دست داد و علی بن سلیمان مورد غضب و بی‌مهری خلیفه قرار گرفت (بردی، ۱۳۹۲: ۶۲/۲؛ کندی، ۱۴۰۷: ۱۰۶). در میانه سده سوم هجری، دولت‌های ادریسیان و فاطمیان به تازگی فعالیت‌های خود را آغاز کرده بودند؛ اما با فرمانروایی احمد بن طولون بر مصر، که مخالف شیعیان بود، روند فعالیت آنان برای مدتی دچار کندی شد.

با وجود این، تبلیغات و مبارزه‌های علویان، چه زیدی و چه حسنی، توانست تشیع را در افریقا گسترش دهد. همین امر باعث شد شیعیان بتوانند در اواسط قرن دوم در

افریقا (مغرب) دولت ادریسیان را تشکیل دهند و در اوایل قرن سوم نیز بنی‌رسی، به همت قاسم بنی‌رسی، اقدام به تبلیغ تشیع در اقصا نقاط جهان اسلام کردند (شامی، ۱۳۶۷: ۱۸۵، ۱۸۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه منابع موجود برای بررسی وضعیت شیعه در افریقا کامل و دقیق نیستند و در ادوار مختلف به دلیل دیدگاه‌های سیاسی، عقیدتی، تعصبات شدید و دیدگاه‌های فرقه‌ای نویسندگان راه افراط و تفریط را پیموده‌اند، وضعیت تشیع و شیعیان در زمان آنان به‌روشنی مشخص نشده است؛ بنابراین بسیاری از حقایق شیعه در این قسمت از جهان اسلام کتمان شده است و نمی‌توان به قاطعیت در مورد مذهب تشیع در افریقا سخن راند. البته باید در هنگام بررسی ورود مذاهب مختلف، به‌خصوص شیعه، به افریقا دقت کرد؛ زیرا بین شیعه شدن، طرفدار شیعه بودن، همکاری با شیعه و قبول حکومت شیعی تفاوت وجود دارد.

با همه محدودیت‌هایی که به دلیل شرایط سیاسی، مذهبی و اجتماعی در افریقا و مصر برای شیعیان ایجاد شده بود، رشد تفکر شیعی و علاقه به اهل بیت(ع) در جامعه بزرگ مصر و افریقا با اهتمام فراوان اصحاب پیامبر(ص) و یاران باوفای امام علی(ع) به ظهور رسید. بر این اساس می‌توان مراحل ظهور و قدرت گرفتن شیعه در افریقا را مختصر و به شرح ذیل خلاصه کرد:

الف) مخالفت برخی از صحابه با عثمان بن عفان و حمایت از امام علی(ع)؛ در این مرحله اندیشه کلامی شیعه شکل نگرفته بود و جامعه به دو بخش شیعه و سنی تقسیم نشده بود (کندی، ۱۴۰۷: ۳۴).

ب) برخی از اعراب منطقه جنوبی که به مصر مهاجرت کرده بودند، گرایش شیعی داشتند. پس از به قدرت رسیدن عباسیان، گروهی از مصریان که گرایش شیعی داشتند، به دلیل اینکه عباسیان را علوی می‌دانستند با آنان همکاری کردند.

ج) برخی از مصریان وقتی حکومت عباسی را مناسب ندیدند، از قیام‌های شیعی حمایت کردند که چندان موفقیت‌آمیز نبود.

د) شیعه امامیه که تقیه می‌کرد، با نشر معارف تشیع، زمینه را برای گسترش بیشتر شیعه در افریقا فراهم کرد.

ه) نفوذ کارگزاران شیعی در زمان حکومت بنی امیه و بنی عباس در مصر و قیام‌های رهبران زیدی باعث رشد و تبلیغ تشیع زیدی در مصر و شمال افریقا شد. در مجموع باید گفت که شیعیان از آغاز فتوحات اسلامی در مصر و افریقا وارد این منطقه شدند. سپس با تلاش اصحاب و یاران امام علی (ع) و دیگر شیعیانی که به آنجا نقل مکان کردند، مردم با اهل بیت (ع) و تفکرات مذهب تشیع آشنا شدند. در نهایت، شماری از مردم افریقا طرفدار تشیع و اهل بیت (ع) شدند و در زمان‌های خاص از این مذهب حمایت کردند. به دنبال همین حمایت‌ها بود که حکومت‌های شیعی، مانند ادرسیان و فاطمیان، در افریقا ایجاد شدند و گسترش یافتند.

پی‌نوشت‌ها

۱. واقعه حرّه نام برخورد خشونت‌آمیز لشکر شام به فرماندهی مسلم بن عقبه با قیام مردم مدینه است. در سال ۶۳ق مردم مدینه به رهبری عبدالله بن حنظله بن ابی عامر علیه حکومت یزید بن معاویه قیام کردند. در این واقعه بسیاری از مردم مدینه، از جمله ۸۰ تن از صحابه پیامبر (ص) و ۷۰۰ تن از حافظان قرآن، کشته شدند و اموال و نوامیس مردم به غارت رفت.

منابع

منابع فارسی

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳)، العبر: تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۷۵)، زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام (ترجمه سیره النبویه)، ترجمه هاشم رسولی، تهران: کتابچی.
اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمانان، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
اشپولر، برتولد (۱۳۵۴)، جهان اسلام (۱) دوران خلافت، ترجمه قمر آریان. تهران: امیر کبیر.
حسین، جاسم (۱۳۸۵)، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، ترجمه محمدتقی آیت‌اللّهی، تهران: امیر کبیر.
دنت، دانیل (۱۳۵۸)، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۹۴)، *تاریخ خلفا*، ترجمه عبدالکریم ارشد، تهران: احسان. شامی، فضیلت (۱۳۶۷)، *تاریخ زبیدیہ در قرن دوم و سوم هجری*، ترجمه محمد ثقفی و علی اکبر مهدی پور، شیراز: دانشگاه شیراز.

طوقوش، محمد بن جریر (۱۳۸۵)، *دولت عباسیان*، ترجمه حجت الله جودکی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

علی بن حسین (ع) (۱۳۸۳)، *صحیفه سجادیه*، تحقیق حوزه علمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای، احمد سجادی و حسین بن اشکیب، اصفهان: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (س).

عودی، ستار (۱۳۸۵)، *تاریخ دولت اغلییان در افریقیه و صقلیه*، تهران: امیر کبیر.

مظفر، محمدحسین (۱۳۹۳)، *تاریخ شیعه*، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران: امیرکبیر.

ممتحن، حسینعلی (۱۳۷۱)، *نهضت قرمطیان و بحثی در باب انجمن اخوان الصفاء و خلان الوفاء در ارتباط با آن*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

مونس، حسین (۱۳۸۴)، *تاریخ و تمدن مغرب*، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: آستان قدس رضوی.

وردانی، صالح (۱۳۸۲)، *شیعه در مصر، از آغاز تا عصر امام خمینی*، ترجمه عبدالحسین بی‌ش، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱)، *تاریخ یعقوبی*، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

منابع عربی

ابن اثیر جزری، عزالدین علی (۱۴۰۷)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، لبنان: دارالکتب العلمیه.

بردی، یوسف بن تغری (۱۳۹۲)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة*، ج ۱-۱۶، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة.

ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۲۶)، *افتتاح الدعوة*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۳۶۴)، *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، قم: الشریف الرضی.

ابن خیاط، ابوعمر خلیفه (۱۴۱۵)، *تاریخ خلیفه*، تحقیق فواز، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.

ابن طباطبا علوی اصفهانی، ابراهیم بن ناصر (۱۳۷۷)، *منتقلة الطالبیة*، تحقیق محمد مهدی خرسان، قم: المکتبه الحیدریه.

ابن عبدالحکم، عبدالرحمن بن عبدالله (۱۹۲۰)، *فتوح مصر و اخبارها*، مصر: لیدن.

ابن عذارى المراكشى، أبو عبدالله محمد بن محمد (۱۹۵۰)، *البيان المغرب فی أخبار الأندلس والمغرب*، بیروت: مکتبه الصادر.

ابن عماد، عبدالحی بن احمد (۱۴۰۶)، *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*، تحقیق محمود ارناووط و عبدالقادر ارناووط، بیروت: دار ابن کثیر.

ابن ابار، محمد بن عبدالله (۱۴۲۹)، *الحلة السیراء (فی تراجم الشعراء من اعیان الأندلس و المغرب من المائة الأولى للهجرة إلى المائة السابعة)*، تحقیق علی ابراهیم محمود، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۴۱۱)، *الفتوح*، تحقیق علی شبیری، ج ۱-۹، بیروت: دار الاضواء.
ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰)، *الإمامة و السياسة*، تحقیق علی شبیری، ج ۱-۲، بیروت: دار الاضواء.
ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۳۳۹)، *مقاتل الطالبیین*، ترجمه جواد فاضل، تحقیق احمد صقر، بیروت: دارالمعرفه.

بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر (۱۴۰۸)، *الفرق بین الفرق و بیان فرقة الناجية منهم*، بیروت: دار الجیل.
بکری، عبدالله بن عبدالعزیز (۱۹۹۲)، *المسالك و الممالک (البکری)*، تحقیق اندری فیری و آدریان فان لیوفن، ج ۱-۲، بیروت: دار الغرب الاسلامی.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۳۰)، *أنساب الأشراف*، تحقیق ویلفرد مادلونگ، احسان عباس، عبدالعزیز دوری، یوسف عبدالرحمن مرعشلی، عصام مصطفی عقله، محمد یعلای و رمزی بعلبکی، بیروت: المعهد الألماني للابحاث الشرقية.

حرزالدین، عبدالرزاق محمدحسین (۱۳۹۱)، *مسند الصحابه اسماء بنت عميس الخنعميه*، تحقیق حذیفه بن اسید غفاری، تهران: دلیل ما.

حلبی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۹)، *السيرة الحلبية: و هو الكتاب المسمى إنسان العيون فی سيرة الأمین المأمون*، تحقیق عبدالله محمد خلیلی، ج ۱-۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
خورشید البری، عبدالله (۱۹۹۲)، *القبائل العربیه فی مصر فی القرون الثلاثة الأولى للهجرة*، قاهره: الهیئه المصریه العامه للكتاب.

دینوری، ابوحنیفه (۱۹۶۰)، *الاخبار الطوال*، تحقیق عبدالنعیم عامر، قاهره: دار إحياء الكتب العربية.
دیویدسن، بزیل (۱۳۵۸)، *افریقا تاریخ یک قاره*، ترجمه هرمز ریاحی و فرشته مولوی، تهران: امیر کبیر.
رازی، احمد بن سهل (۱۹۹۵)، *أخبار فخر و خبر یحیی بن عبدالله و أخیه إدريس بن عبدالله (انتشار الحركة الزيدية فی اليمن و المغرب و الدیلم)*، تحقیق احمد بن ابراهیم حسنی و ماهر جرار، بیروت: دار الغرب الاسلامی.

رمضان، هویدا عبدالعظیم (۱۹۹۴)، *المجتمع فی مصر الاسلامیه (من الفتح العربی الی العصر الفاطمی)*، ج ۲، قاهره: الهیئه المصریه العامه للكتاب.

ریطی، ممدوح عبدالرحمن عبدالرحیم (۱۹۹۶)، *دور القبائل العربیه فی صعيد مصر*، قاهره: مکتبه مدبولی.

سیوطی، عبدالرحمن (۱۳۷۱)، *تاریخ الخلفاء*، مصر: مطبعة السعادة.
طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷)، *تاریخ طبری*، تحقیق ابوالفضل ابراهیم محمد، بیروت: دارالتراث، چاپ دوم.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷)، *تاریخ الأمم و الملوک*، بیروت: دارالتراث.

- عبدالرزاق، محمود اسماعیل (١٩٧٦)، *الخوارج فی بلاد المغرب حتی منتصف القرن الرابع الهجری*، قاهره: الدار البضاء دارالثقافه.
- کلاعی، سلیمان بن موسی (١٩٧٧)، *الاکتفاء بما تضمنه من معازی رسول الله صلی الله علیه و سلم و الثلاثة الخلفاء*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- کندی، محمد بن یوسف (١٤٠٧)، *تاریخ ولاة مصر وبله کتاب تسمیه قضاتها*، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافه.
- مسعودی، علی بن حسین (١٤٠٩)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق یوسف اسعد داغر، قم: مؤسسه دار الجهر.
- مقریزی، تقی الدین احمد (بی تا)، *الخطط*، بغداد: مکتبه المثنی.
- مقریزی، تقی الدین احمد (١٤١٦)، *اتعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء*، مصر: مجلس الاعلی للثئون الاسلامیه.
- مقریزی، تقی الدین احمد (١٤١٨)، *المواعظ و الإعتبار به ذکر الخطط و الآثار المعروف بالخطط المقریزیه*، تحقیق خلیل منصور، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- مونس، حسین (١٩٩٢)، *تاریخ المغرب و حضارته: من قبیل الفتح العربی الی بدایه الاحتلال الفرنسی*، بیروت: العصر الحدیث للنشر.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (١٩٩٠)، *معجم البلدان*، ج ١-٧، بیروت: دار الکتب العلمیه.